

« نامه ماهانه ادبی ، علمی ، تاریخی ، اجتماعی »

شماره - پنجم و ششم

مرداد و شهریور ماه

۱۳۴۵

اکنون از مجله

دوره - سی و پنجم

شماره - ۵ و ۶

تاسیس بهمن ماه - ۱۲۹۸ شمسی

(مؤسس : استاد سخن مرحوم وحید دستگردی)

(صاحب امتیاز و نگارنده : محمود وحید زاده دستگردی - نسیم)

محمد - محیط طباطبائی

نظری به تاریخ ایران

شرق و غرب عالم پس از قرن‌ها ستیزه جوئی و کشمکش که بایکدیگر بر سر کسب امتیازات سیاسی و فرهنگی و اقتصادی در جریان حوادث تاریخ قدیم و جدید داشتند اینک در کنگره ایرانشناسی طهران بر سر یک بساط تاریخی در کنار یکدیگر می‌نشینند تا درباره کیفیت تدوین صورتی کاملی از تاریخ ملتی که هگل فیلسوف آلمانی آنرا نخستین قوم تاریخی جهان معرفی کرده با یکدیگر مبادله نظر و تشریح مساعی کنند . این نکته شاید مورد قبول صاحب نظران باشد که غرب بهمان اندازه که در فعالیت‌های دوهزار و پانصدساله خود همواره به ضرر شرق و شرقی قدم بر میداشته ، از حیث ثبت و ضبط حوادث تاریخی مشترک ، یا به اصطلاح فنی ، در تاریخ نگاری خدمات ارزنده ای مخصوصاً به تاریخ ایران قدیم کرده است .

نسل حاضر ایران گاهی در نتیجه تألمات روحی که از جریان حوادث نامطلوب

یکی دو قرن گذشته دارد و احیاناً از آن رنج می برد، نسبت به این جنبه از همکاری غرب تا حد اعلاى بدبینی در قضاوت خود پیش می رود و گاهی نسبت به پدر تاریخ یا هرودوت که در معرفی مملکت و ملت ایران به جهان غرب پیش قدم بوده، منعکس کننده آن روح کینه ورزی و ستیزه خوئی و پر خاشجوئی دیرین غرب نسبت به شرق می شود و او را مردی بی انصاف و ناراست می پندارد که در نوشته های خود چشم از محاسن و مزایای حقیقی عنصر ایرانی در تاریخ جنگهای ایران و یونان پوشیده و در باره این ملت قضاوت های نامطلوب کرده است. صرف نظر از این نقطه قابل توجه باید گفت خدمتی که هرودوت به تاریخ ایران قدیم کرده امری مشهود و مبتنی بر سند و دلیل است ولی ناراستی و بی انصافی و خلاف گوئی او وقتی مسلم میشود که از مجموعه آثار و شواهد تاریخی دیگر که از زیر زمین و باروی زمین بدست آمده یامی آید و مقایسه آنها با گفته های هرودوت بتوان درست انگشت انتقاد را روی نقاط ضعف و تحریف و قلب حقیقت از کتاب تاریخ او گذارد.

چیزی که فعلاً بر ما مسلم است وجود همین روایات تاریخ هرودوت در باره تاریخ مادیان و هخامنشیان کلید رمزی برای قرائت کتیبه بیستون بود و اگر جریان حوادث روزگار داریوش در نوشته های او نویسنده گان یونانی نزدیک به زمان داریوش نبود و پژوهندگان غربی بانام و گزارش زندگانی او از پیش آشنائی نداشتند قطعاً استفاده از حروف اسم داریوش جهت حل رموز آن کتیبه به این سهولت میسر نمیشد.

هرودوت و توسیدید و گزنفون و پلوتارک و کنت گورث و آریان و بعدها در دوره رومیها استرابون و تاسیت و آمین و مارسلان و پرو کوپ و پلین در ضمن گزارش حوادث مربوط به تاریخ و جغرافیای یونان و روم مطالب سودمندی را در باره گذشته ایران به دست داده اند که حتی سطری همانند آنها در آثار مدون عصر ساسانی و ترجمه های عربی و پارسی دری آنها به چشم مانمی رسد و هم اکنون برای تنظیم تاریخ ایران پیش از اسلام پس از نقل آنچه در کتیبه ها و آثار نو یافته عیلامی و بابل و آشوری و پارسی و هیتی

یونانی از بابت ایران باستانی ثبت است ، بزرگترین مأخذ تاریخی گذشته‌ها همین روایات یونانی و احیاناً لاتینی قدیم بوده که غالباً به روایات مدون عبرانی و سریانی و ارمنی و لاتینی جدید زمینه داده است .

در اینصورت حضور جمعی از نمایندگان فرهنگ و تمدن و سیاست غربی که اسلاف آنها در انحراف مسیر تاریخ ایران از دو هزار و چهار صد و پنجاه سال پیش بدینطرف سهم موثری داشته‌اند ، برای مباحثه در کیفیت تدوین تاریخ جدید جامعی برای مملکت و ملت ما از دو نظر مفید است :

یکی آنکه قسمت اعظم تاریخ قدیم این مملکت در نتیجه تماس و اصطکاک و مبارزه اسلاف ما با نیاکان ایشان بوجود آمده است ، دیگری آنکه تعلق شدید آنان به ضبط جزئیات حوادث مربوط به این برخوردها سبب شده که در حفظ جزء مهمی از تاریخ ملت و مملکت ما ، بر نیاکان ما بلکه بر خود ماحق تقدم و تفوق بدست آورده باشند . شاید برخی از خوانندگان این گفتار مختصر در این امر دست خوش حیرت و تعجب گردند و از خود بپرسند چطور ممکن است بیگانگان که نقطه ارتباط ایشان با قوم ما و کشور ما بر اساس اختلاف مصالح و تفاوت هدفهای مختلف بوده است به ضبط اسناد تاریخ گذشته ما پیش از ما اظهار علاقه و خدمت کنند ؟

توجه به این نکته رفع تعجب و حیرت میکند که در روایات خداینامه یا شاهنامه یعنی قدیمترین و اصیلترین سند ملی تاریخ ایران سطری و کلمه‌ای از حوادث مهم سلسله‌های نامدار مادی و هخامنشی و سلوکی و اشکانی بدانسانکه فی الواقع صورت پذیرفته است دیده نمیشود و بجای آنها فاصله‌ای را که در تاریخ هر قوم و کشوری میان روزگار اساطیری و عصر تاریخی آنان وجود دارد کشش خیالی داده چنانکه قسمت مهمی از دوره تاریخی ایران رازیر گرد و غبار افسانه‌های اساطیری پوشیده است و آنگاه بجای دیباو کو و فراووت و آستیاژ و کوروش و داریوش و خشایار شاه و اردشیر ، جمشید و

فریدون و ضحاک و کیخسرو و گشتاسب و اسفندیار و بهمن را از قهرمانان اساطیری گرفته و در متن تاریخ واقعی گذارده‌اند. از پانصد سال تاریخ ارزنده دوره اشکانی، دو بیست سال آن را در حسابسازی تقویمی حذف کرده‌اند تا پایان دوره هزار سال موعود مذهب زردشتی از حد تصور مردم بگذرد و دو قرن پیش تر برود و دیگر کسی منتظر نماند که مثلاً در عصر یزدگرد اول یا فیروز آن تغییر وضع موعود پیش آید بلکه این انتظار، تا روزگاری پیش آمد که قاضا مردم در آغاز ظهور اسلام دیده براه چنین اتفاق تازه‌ای باشند و ستیزه و مقاومت در برابر دین و دولت تازه وارد را بی فایده بنگرند و دسته دسته سر رضا و تسلیم پیش آورند و با بستن عهد صلح موجبات حفظ جان و مال و دین خود را جدا جدا فراهم آورند.

انعکاس این نیت و عمل حقیقی و حقیقوشی در داستانهای عادی بلکه روایات مذهبی عصر ساسانی نیز اثر خود را بخشید چنانکه میان دهها فرهوشی بزرگان کشور که در اوستا یاد شده نام یکی از قهرمانان تاریخ واقعی ایران قبل از عصر ساسانی برده نمی شود بلکه فره‌های نامبرده عموماً از مقوله همان مردان و زنانی هستند که در خلدای نامه از شخصیت داستانی آنها سخن رفته است. *تاریخ و روایات فرنگی*

اما در مقابل این سهو و محو تاریخی قسمت معتبری از حوادث حقیقی و واقعی مربوط به دوره سکوت یا خیالپردازی و افسانه پردازی و داستانرانی خداینامه، در آثار مهم نویسندگان یونانی و رومی وارد است.

از طرف دیگر توجه مردم مغرب زمین در عصر معاصر به رفع نقایص تسواریخ عالم و از جمله تاریخ ایران و تکمیل آنچه در فواصل مختلف مهجور یا همسکوت مانده و یا در ضمن ترجمه و نقل دست خوش تحریف و تصحیف شده است از آن روزی آغاز گردید که زوش تاریخ نویسی در اروپا بواسطه ظهور حوادث تازه و رجال روشنفکر و افکار نو و اکتشافات جدید صورت بی سابقه‌ای پیدا کرد. کوششی که در آغاز امر جهت تدوین

تاریخ جدید ایران موافق مقتضیات آن روز از طرف محققان غربی مبذول گشت سرانجام به صورت تاریخ ایران تألیف سر جان ملکم از کار درآمد. ملکم در کتاب خود با برداشتی نادرست در مقدمه، چنان تسلیم معمولات دساتیری ملاکوس و درویش فانی کشمیری شد که ارزش کتاب خود را حتی نسبت به آثار غربی پیش از اسلام پائین تر آورد ولی در حوادث مربوط به دوره های معاصر و متوسط مطالبی را قید کرده است که عاده تاریخ نویسان یا واقعه نویسان ایرانی از ضبط آنها به اعتبار وجود محیط نامساعد چشم می پوشیدند.

هنوز پنجاه سال از تدوین تاریخ ملکم نگذشته بود که در اثر مساعی پژوهندگان آلمانی و انگلیسی کلید خواندن خطوط کتیبه بیستون بدست افتاد و این کتیبه به نوبه خود کلید رمز خطوط بابلی و آشوری و سومری و عیلامی شد و در اثر کوشش های دنباله دار هزاران لوحه گلی و باره سنگ و مهر و مهره خط دار در اراضی بین النهرین و خوزستان بدست آمد که با خواندن محتویات آنها دیباچه تاریخ قدیم ایران به صورت تازه و روشن و آبرومندی درآمد. راولینسون از تطبیق نوشته های کهن با نخستین دسته از آثار نویافته، در کتاب دقیق امپراطوری های بزرگ قدیم شرق و جهت تاریخ قدیم ایران را دیگرگون کرد. ترجمه اسمعیل حیرت طهرانی از تاریخ سر جان ملکم در هند و ترجمه ای که در دارالترجمه دولتی از کتاب راولینسون زیر نظر محمد حسن خان اعتماد السلطنه به زبان فارسی فراهم آمد و به سعی عده ای از اعضای دارالترجمه با تصرفات و الحاقاتی به صورت تاریخ اشکانیان و ساسانیان در پنج مجلد تدوین و چاپ شد پارسی زبانان را بعد از قرنها که زیر نفوذ مطالب خداینامه و ترجمه عربی آن و شاهنامه منظوم فردوسی از حقیقت گذشته تاریخ ایران بی خبر مانده بودند با شبحی از گذشته حقیقی مملکت آشنا کرد.

دنباله تحقیق در مدارک جدید و قدیم و تألیف در زبانهای آلمانی و انگلیسی و فرانسوی ادامه یافت تا آنکه کلمان هوار در تاریخ مختصر ایران قدیم خود در آغاز این قرن

از اکتشافات تازه تر استفاده کرد و زمینه ای مختصر ولی جامع و جالب فراهم آورد که شیوه کار او در تاریخ باستان مشیرالدوله مورد استفاده و اقتباس قرار گرفت. سایکس در دو جلد کتاب تاریخ ایران خود که چهل و اندی سال پیش نوشت مجملی از کلیه حوادث قدیم و جدید تاریخ ایران را بر وفق آخرین اطلاعات فراهم آمده نوشت و ترجمه فارسی آن بیست و اندی سال قبل بسعی مرحوم فخر داعی گیلانی انتشار یافت. بنا بر این چنانکه ملاحظه میفرمائید مساعی مقدمانی گروهی از فضایی غرب که نیاگان ایشان در حفظ تاریخ قدیم ایران پیشقدم بودند جهت تجدید نظر در تاریخ ایران، سلسله جنبان همت افرادی همچون محمد حسن خان اعتماد السلطنه و نكاه الملك و مشیرالدوله شد تا با استفاده کامل از کارهای انجام گرفته ایشان در سیاق تحریر تاریخ ایران تجدید نظری نمایند.

بطور مسلم کسی نمی تواند منکر زحمات مرحوم حسن پیرنیا مشیرالدوله در تجدید نظر دوم جهت تدوین «تاریخ ایران باستانی» شود و باید پذیرفت که آن مرحوم بواسطه علاقه شدیدی که به افتخارات دوران گذشته وطن خویش و انسی که با زبان فرانسه و آلمانی داشت در تحت تأثیر مکتب نیرومند تاریخ نویسی فون رانکه تاریخ نویس بزرگ آلمان خواست تاریخ قدیم ایران را با مراجعه کلیه اسناد مربوط در یک دوره مبسوطی گرد آورد و آنچه که انجام گرفت و انتشار یافت بسیار مغتنم بود زیرا پیش از آن مرحوم کسی دست بدین کار نزده و از عهده تقبل یک چنین خدمتی بر نیامده بود. ولی باید گفت که از موضوع مهم تاریخ نگاری به اسلوب جامع رانکه تنها جمع قسمتی از اسناد و مدارک دیرینه در حدود امکان صورت گرفت ولی مسأله نقد و جرح و تعدیل و استخراج حقایق مورد اطمینان چون نیازمند مجالی وسیع تر و اسبابی آماده تر و همکاری افراد مقتدری مانند دست پروردگان مکتب تاریخی رانکه بود، جهت نسل بعد به میراث ماند. از سی و اندی سال پیش بدین طرف بارها حسن نیتی از طرف مقامات

رسمی و افراد و آحاد ملت جهت تنظیم و تدوین تاریخ کامل ایران از روی کلیه مدارک و مآخذ کهنه و نو یافته ابراز شده است و برای اینکه جامعه عملی بدین حسن نیت پوشیده شود افرادی بطور پراکنده کوششهایی مبذول داشته‌اند ولی باید بدین حقیقت تلخ اعتراف کرد که با اینهمه علاقه‌مندیها و کوششها هنوز يك تاریخ ایران قدیم یا جدید جامع که مثلاً با تاریخ عرب پیش از اسلام تألیف دکتر جواد علی بهبهانی عراقی بتواند برابری کند از زیر ماشین چاپ عبور نکرده است، مسلم است وجود عشق و علاقه و حسن نیت جهت تحقق چنین نیت خیری شرط اساسی و بمنزله خمیرمایه اصلی است ولی ترکیب استعداد و اطلاع و تجربه و روشن بینی، در حقیقت چهارستون اصلی چنین بنای عظیمی محسوب میشود که بدون وجود آنها برافراشتن يك کاخ بلند و دلاویز تاریخی. نظیر کاخ شاهنامه فردوسی برای ضبط داستانهای ملی ایران، میسر نیست ولی دوام تعلق و مزید توجه و افزایش اطلاع و تجربه و تربیت افرادی که مانند شاگردان مکتب رانکه روزی از عهده چنین وظیفه خطیری برآیند مورد آرزوی همه کسانی است که دل به فرهنگ ایران بسته‌دارند.

حضور جمعی از فضلالی شرق و غرب که نسبت به زبان و ادبیات و فرهنگ ایران قدیم و جدید آشنائی و نزدیکی خاصی دارند و استفاده از ذوق و سلیقه و معرفت و کاردانی آنها، در کیفیت تنظیم تاریخ کامل ایران خالی از فایده نخواهد بود. چه اینان به اختلاف حوزه فکر و عمل و اطلاعات تخصصی خود بطور کلی نسبت بدانچه در قالب تاریخ ایران ریخته شده، یا باید ریخته شود، بی علاقه و بی سابقه نیستند و به فرض اینکه کار علمی یکی باستانشناسی یا هنر شناسی و از آن دیگری مذهب شناسی و زبان شناسی و یا آنکه درس و بحث متون فارسی و تدریس خط و زبان سانسکریت باشد، باز به اعتبار نواحی مختلف تاریخ ایران که با کلیه این مسائل ارتباط پیدا میکند استفاده از علم و تجربه هر يك برای انجام چنین مهمی میسر و در تربیت ذوق و قریحه و نحوه کار داوطلبان انجام

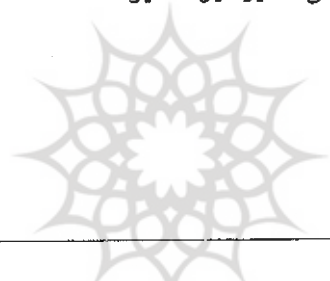
چنین مهمی موثر است .

تصور میکنم در درجه اول، غالب فضای خارجی که در کنگره ایرانشناسی طهران حضور یافته اند، در يك نکته بایکدیگر و همچنین با غالب فضای ایران وحدت نظر داشته باشند و آن لزوم تقدیم طبع و نشر کلیه مدارك عیلامی و بابلی و آشوری و مصری و آراتانی و هیتی و یونانی و لاتینی و ارمنی و سریانی و هندی و چینی و طخاری و سغدی و کوشانی و پهلوی و عربی و ترکی و فارسی دری است که بصورت کتیبه و لوحه و مهر و نقش ظروف و کتابهای مدون و اسناد تاریخی در داخل و خارج ایران موجود است . بیش از آنکه مجموعه این آثار به زبان فارسی ترجمه و نقل و طبع شود و در دسترس پژوهندگان ایرانی قرار گیرد میتوان گفت که هر گونه تلاش و کوششی نمیتواند صورت کامل منظور را بپذیرد .

شنیده میشود که به مصارف شرکت نفت فعلا تاریخی در انگلستان جزو سلسله تواریخ کیمبرج در دست تألیف و تحریر و طبع است . معلوم است نشر چنین اثری همچون تألیف و انتشار تاریخهای سایکس و هلکم از پیش، برای استفاده مردم انگلیسی زبان اروپا و آمریکا و آسیا سودمند خواهد بود و بطور ضمنی ممکن است روزی ترجمه‌ای از آن به زبان فارسی، تا حدی بتواند حوزه اطلاع فارسی زبانان را قدری وسیعتر سازد ولی باید گفت چنین اثری هرگز نمیتواند آن تاریخ منظور و دلخواه نسل جدید کشورها باشد زیرا ثابت شده که هر مورخی تا وارث مستقیم یا غیر مستقیم تمدن و فرهنگ قومی نباشد هرگز نمیتواند تاریخ آن قوم را چنانکه باید و شاید درک و بیان کند و کتابی بنویسد که مطلوب همگنان قرار گیرد . همانطور که غالب نوشته‌های نویسندگان خارجی از عند هر دودت تا امروز در باره تاریخ ایران به هنگام نقد و سنجش دور از حقیقت و واقعیت و حاکی از نظر جانبداری یا تلقین افکار خاصی شناخته میشود، اثر جدیدی هم که در کیمبرج یا جای دیگر دور از نظارت فکری يك مورخ

بصیر و علاقمند ایرانی نوشته شود از کتاب ملکم و سایکس پسندیده‌تر اتفاق نخواهد افتاد . پس بهتر است بجای کمک به تدوین تاریخ ایران به زبان دیگری اعتبار و همت و وقت و نیروی ماصرف انتشار يك دوره کامل از متن و ترجمه اسناد تاریخ ایران شود که حجم چنین مجموعه‌ای بطور مسلم از یکصد هزار صفحه کمتر نخواهد بود و این سرمایه گرانبها در اختیار کسانی قرار داده شود که استعداد و قابلیت آنها از نظر علم و عمل درخور انجام چنین مهمی شناخته شود .

صورت خطابه‌ای است که به مناسبت افتتاح کنگرهٔ ایران‌شناسی از طرف آقای محیط طباطبائی در برنامهٔ مرزهای دانش رادیو ایران ایراد شد .



حکمت

آنرا که گوش ارادت کران آفریده‌اند چون کند که بشنود
و آنرا که کمند سعادت کشان میبرد چکنند که نرود . حکیمی که
با جهال در افتاد باید که عزت توقع ندارد ، اگر جاهلی بزبان آوری
و شوخی غالب آید عجب نیست سنگی است که گوهری را همی شکند .

(سعدی)